



کتابخانه افروز



ما در مدرسه‌ی افروز اعتقاد داریم که فرهنگ، مشارکت اجتماعی، مسئولیت‌های فردی و مدنی پیوندی گسست‌ناپذیر با آموزش دارند. به باور ما کلاس درس فقط فضایی برای کسب دانش نیست؛ این هدف با پرورش مهارت‌های اجتماعی و کسب دانش هم تنیده و تفکیک‌ناپذیرند. موضوع کلاس درس هرچه باشد -ریاضی یا علوم اجتماعی- امکانی است برای تمرین مهارت‌های اجتماعی با دانش‌آموزان و به عقیده‌ی ما ارتقای این مهارت‌ها اگر مهم‌تر از افزایش علم و دانش کودکان و نوجوانان نباشد، از آن کم‌اهمیت‌تر نیست. به همین منظور قصد داریم با برگزاری دوره‌ها و کارگاه‌هایی در مدرسه‌ی افروز، بازی‌ها و فعالیت‌هایی عملی برای کودکان و نوجوانان معرفی کنیم، درباره‌ی مهارت‌ها و روش‌های تسهیلگری این مفاهیم در کلاس درس به بحث و گفت‌وگو پردازیم، و راهکاری عملی برای پیاده‌سازی این مفاهیم در کلاس درس را با هم تجربه کنیم.

مدرسه‌ی افروز دو اصل «آموزش مشارکتی» و «کاربردی بودن مطالب» را سرلوحه‌ی فعالیت‌های خود قرار داده و دوره‌های آموزشی را به گونه‌ای تدوین کرده است که همگام با معرفی هر مفهوم نظری، نحوه‌ی انتقال آن به دانش‌آموزان هم به بحث و گفت‌وگو گذاشته می‌شود. امیدواریم با تمرکز بر مهارت تسهیلگری، و هم‌فکری و گفت‌وگو درباره‌ی آن بتوانیم راهکارها و شیوه‌هایی جدید و کاربردی و خلاق پیدا کنیم تا از این طریق تمرین مهارت‌های اجتماعی و بالا بردن میزان مشارکت دانش‌آموزان در کلاس درس محقق شود. ما در مدرسه‌ی افروز بر این باوریم که می‌توان با چشم‌انداز «جامعه‌ی فردا را با هم بسازیم» از فرصت‌های موجود در کلاس درس بهره‌جست و برای تبدیل دانش‌آموزان به شهروندانی آگاه و مؤثر کوشید.

(در صورت استفاده از منابع افروز، لطفاً ذکر منبع را فراموش نکنید. متشکریم)

تعصب پنهان

ترجمه: گروه آموزش مدرسه افروز

نقشی که کلیشه‌ها، سوگیری‌ها و تعصب‌ها در زندگی روزمره، تصمیم‌ها و واکنش‌های ما بازی می‌کنند فراتر از آن چیزی است که انتظارش را داریم. در حالی که سوگیری عیان و آشکار له یا علیه یک گروه نژادی، قومی، دینی یا جنسیتی در بسیاری از جوامع پذیرفته شده نیست و در بعضی کشورها عملی خلاف قانون و سزاوار مجازات به شمار می‌آید، کلیشه‌ها و تعصب‌ورزی‌ها همچنان زیر پوست جامعه به حیات خود ادامه می‌دهند.

به گزارش مرکز ملی اطلاعات زیست‌فناوری امریکا [۱]، نظام آموزشی، سیستم بهداشت و درمان، و حتی تصمیم‌های فردی در سطح حرفه‌ای و روابط میان‌فردی به شدت تحت تأثیر تعصب‌های ضمنی یا پنهان [۲] قرار دارند. به نقل از همین مرکز هرچند تعصب‌های آشکار [۳] قومی و نژادی در آمریکا ظرف پنجاه سال اخیر به طرز چشمگیری کاهش یافته اما در مقابل، تعصب‌های پنهان رایج‌تر و مستحکم‌تر شده‌اند.

تعصب و سوگیری به معنای ارزش‌گذاری منفی و تقلیل‌دهنده یک گروه و اعضای آن است. این سوگیری‌ها ممکن است بروزی آشکار و عیان داشته باشند. مثلاً فرد به روشنی ابراز کند که «من از سیاه‌پوستان خوشم نمی‌آید و رابطه با سفیدپوستان را ترجیح می‌دهم». شکل دیگر بروز تعصب‌ها بازتاب آن‌ها در رفتارها و تصمیم‌گیری‌های روزمره است؛ رفتارهایی ساده که در بسیاری موارد ماهیت و خاستگاه‌شان بر شخص پوشیده است و حتی توجه خود فرد را هم جلب نمی‌کند. مثل وقتی که فرد پس از ورود به اتوبوس یا واگن قطار از نشستن در کنار یک سیاه پوست خودداری و دورترین صندلی نسبت به او را انتخاب می‌کند.

تعصب‌های آشکار و پنهان فارغ از تفاوتی که در نحوه بروزشان دارند، از لحاظ فرآیند نیز متفاوت‌اند. در **تعصب‌ورزی آشکار** فرد از سوگیری و ارزش‌گذاری خود آگاه است، باور دارد که این ارزش‌گذاری صحیح و منصفانه است، دلایلی در ذهن دارد که با استناد به آن‌ها داوری خود را منطقی و موجه می‌شمارد و برای واکنش مبتنی بر این قضاوت سوگیرانه به اندازه کافی وقت و انگیزه دارد. اما **تعصب‌های پنهان** به طرز غیر ارادی و حتی ناخودآگاه عمل می‌کنند. این نوع تعصب معمولاً توجه کسی را جلب نمی‌کند و بازشناسی آن برای دیگران آسان نیست. اما به محض قرار گرفتن در موقعیت‌های مرتبط، با دیدن کوچکترین نشانه‌ای از فرد یا گروه مورد تعصب، رویکرد متعصبانه به سرعت و به‌طور ناخودآگاه فعال می‌شود و در سکوت و خاموشی روی ادراک، حافظه و رفتار فرد اثر می‌گذارد.

تعصب پنهان هنگامی رخ می‌دهد که فرد در سطح هشیار و آگاه ذهنش کلیشه‌ها را نمی‌پذیرد، آن‌ها را رد می‌کند، حتی فعالیت‌ها و تلاش‌های «ضد تبعیض» را می‌ستاید و از آن‌ها حمایت می‌کند اما همچنان به‌طور ناخودآگاه تداعی معانی منفی را در ذهن حمل می‌کند.

محققان دریافته‌اند که ما تنها به ۵ درصد از مغزمان دسترسی آگاهانه داریم، در حالی که بخش اعظم فعالیت‌های مغز ما در سطح ناخودآگاه رخ می‌دهد. بر این اساس، تعصب پنهان به این معنا نیست که افراد تعصب‌های قومی، مذهبی، جنسیتی یا نژادی‌شان را با زیرکی پنهان می‌کنند؛ آن‌ها در حقیقت به آنچه در ذهن‌شان می‌گذرد آگاهی ندارند [۴]. بیش از ۸۵ درصد شهروندان آمریکا خود را افرادی «عاری از تعصب و پیش‌داوری» می‌دانند، در حالی که نتیجه حاصل از پژوهش‌ها می‌گوید که اکثر آمریکایی‌ها تحت تأثیر درجاتی از تعصبات پنهان نژادی هستند.

تعصب‌های پنهان چه تأثیری بر زندگی روزمره شهروندان دارند؟

پژوهش‌های میدانی نشان داده است که تعصب‌های پنهان فرآیندهای اجتماعی را تحت تأثیر قرار می‌دهند. مثلاً در کشور آمریکا احتمال ارجاع بیمار توسط پزشک عمومی به پزشک متخصص در سیاه‌پوستان کمتر از سفیدپوستان است یا احتمال دعوت از متقاضیان رنگین‌پوست برای مصاحبه‌های شغلی نسبت به متقاضیان سفیدپوست کمتر است. نمونه‌های مشابهی در نظام قضایی و حقوقی علیه رنگین‌پوستان و زنان مشاهده و ثبت شده است.

گذشته از تعصب‌ورزی‌های سازمانی؛ تعصب‌ها، کلیشه‌ها و پیش‌داوری‌ها نقش تعیین‌کننده‌ای در رفتار شهروندان با یکدیگر دارد. رفتار ایرانیان با شهروندان اهل افغانستان یکی از بارزترین نمونه‌های تأثیر تعصب‌های آشکار و گاه پنهان در روابط میان‌فردی است. بر اساس گزارش‌های متعددی درباره رفتار مردم با مهاجران افغانستانی در شهرهای مختلف می‌توان گفت حتی در مواردی که این گروه از شهروندان در کلام پذیرفته می‌شوند و حضور اجتماعی‌شان به رسمیت شناخته می‌شود، احتمال همراهی، هم‌کلامی یا هم‌نشینی با آن‌ها نسبت به شهروندی که در مرزهای ایران زاده شده کمتر است.

جدا از دوگانه ایرانی-افغانستانی، واکنش‌های مبتنی بر تعصب‌های پنهان و آشکار در جامعه ایران را می‌توان در مورد گروه‌های زنان، اقلیت‌های دینی و مذهبی، اقوام ایرانی، اقلیت‌های جنسیتی، زبان‌ها، گویش‌ها و لهجه‌های محلی، افرادی با ناتوانی جسمی یا بیماران روانی مشاهده کرد.

تعصب‌ها و پیش‌داوری‌ها با دامن زدن به رویکرد خودی-غیرخودی جامعه را به جزایر مجزا تقسیم می‌کند؛ جزایری که ساکنان آن به زحمت می‌توانند مشترکات‌شان را باز شناسند. روابط میان اعضای این جزایر جداگانه بیش از آنکه بر نقاط اشتراک متمرکز شود، حول محور تفاوت‌ها شکل می‌گیرد. با قوت گرفتن تفاوت‌ها در برابر اشتراکات، انسجام و یکپارچگی اجتماعی تهدید می‌شود و سلامت جامعه به خطر می‌افتد. در این حالت کوچکترین واقعه قابلیت این را دارد که «تفاوت» را به «اختلاف» و «تعارض» بدل کند.

افزون بر این، رویکرد خودی-غیرخودی فرصت مشارکت اجتماعی را از گروه‌های سرکوب‌شده سلب می‌کند. به دنبال آن بخشی از اعضای جامعه که عضو گروه‌هایی کم‌جمعیت‌تر هستند و اقتدار و اثربخشی‌شان از باقی گروه‌ها کمتر است، فرصت طلایی رشد در سایه فعالیت جمعی و ارتباطات گروهی را از دست می‌دهند و به شهروندانی در حاشیه بدل می‌شوند. این خرابی‌ها که پیچیدگی‌ها و دشواری‌هایی را به جامعه تحمیل می‌کنند جامعه‌شناسان را بر آن داشته تا به دنبال راه‌هایی برای شناسایی و رفع تعصب‌ها و پیش‌داوری‌هایی باشند که در حافظه ناخودآگاه انسان خزیده و ماندگار شده‌اند.

تعصب‌های پنهان قابل شناسایی‌اند؟

از آنجا که تعصب‌های پنهان فراتر از قصد و آگاهی فرد عمل می‌کنند، کنترل آن‌ها آسان نیست و شناسایی و وقوف به آن‌ها نیز به‌سادگی ممکن نخواهد بود. آن‌ها -بر خلاف دیگر رفتارها، نگرش‌ها و حالات روانی افراد- با استفاده از روش‌های خود-روایتی [۵] هم قابل شناسایی نیستند. آزمون‌ها و پرسشنامه‌های خود-روایتی بر روایت فرد از علائم، رفتارها، باورها، نگرش‌ها و دیگر متغیرهای ذهنی و عاطفی‌اش تکیه می‌کنند و بر اساس آن پاره‌ای ویژگی‌ها را شناسایی می‌کنند یا می‌سنجند [نقطه ضعف اصلی این آزمون‌ها این است که تعصب‌ها و سوگیری‌ها روی روایت‌های فرد از تجربه‌ها و رفتارها و حالت‌هایش اثر می‌گذارد و نتیجه آزمون را تحت تأثیر قرار می‌دهد. با فرض اینکه فرد از پنهان کردن تعصب‌های آشکار خود در این آزمون‌ها بپرهیزد، به سبب بی‌خبری از سوگیری‌های ناخودآگاه امکان بازتاب دادن آن‌ها برایش وجود ندارد و تعصب‌های پنهان همچنان ناشناخته باقی می‌مانند.

تلاش پژوهشگران در شناسایی و ارزیابی و سنجش تعصب‌های پنهان در نهایت، به طراحی الگویی به نام «آزمون تداعی ضمنی» [۶] انجامید.

آزمون تداعی ضمنی چیست؟

در سال ۱۹۹۵ دو روان‌شناس اجتماعی به نام‌های آنتونی گرین‌والد (Anthony Greenwald) و ماه‌زَرین بناجی (Mahzarin Banaji) ادعا کردند که می‌توان از ماهیت و کاربرد «حافظه آشکار» [۷] و «حافظه ضمنی یا پنهان یا ناآشکار» [۸] در تحلیل ساختارهای اجتماعی بهره جست. نظریه آن‌ها این‌طور تعریف شده بود که اگر خاطراتی که بخش خودآگاه ذهن ما به آن‌ها دسترسی ندارند، روی عملکرد ما در زندگی تأثیر می‌گذارند، پس «تداعی معانی» [۹] هم می‌تواند روی نگرش‌ها و رفتارهای ما اثر بگذارد.

بر این اساس، یافتن راه‌هایی برای مطالعه تفاوت‌های فردی در تداعی معانی مفاهیم مختلف محققان را قادر ساخت آن دسته از نگرش‌ها را که با روش‌های خود-روایتی خودآگاه [۱۰] سنجیده نمی‌شوند، بشناسند. مطالعات و پژوهش‌های انجام شده در حوزه روان‌شناسی اثبات کرده است که رفتار اجتماعی غالباً به صورت ضمنی یا ناهشیار عمل می‌کند، به این معنا که اغلب افراد از تأثیر تجربه‌های پیشین بر قضاوت‌ها، تصمیم‌ها و رفتارهای خود آگاه نیستند. بنابراین، درک جامع و همه‌جانبه نگرش‌های یک فرد تنها با تکیه بر روایت‌های شخصی او کافی نیست.

آقای گرین‌والد و خانم بناجی در مطالعات خود به تأثیر حافظه ناخودآگاه بر نگرش افراد توجه کردند و این موضوع را پیش کشیدند که خاطرات و اندوخته‌های حافظه ناخودآگاه انسان روی واکنش‌ها و رفتارهای فرد تأثیر می‌گذارند و سبب می‌شوند که فرد در مواجهه با موقعیت‌ها، افراد، گروه‌ها یا رویدادهای مختلف اجتماعی به صورت خودکار رفتارهایی را بروز دهد. بر این اساس، تفکرات قالبی، تعصب‌ها، و پیش‌داوری‌ها ردی از تجربه‌ها و آموخته‌های فرد در طول سال‌های زندگی را در خود دارند؛ تجربه‌هایی که ممکن است فرد حتی آن‌ها را به یاد نیاورد یا هرگز به درستی آن‌ها را نشناخته باشد. این دو پژوهشگر معتقدند که اندوخته‌های حافظه ناخودآگاه یا «تعصبات پنهان» در تعمیم دادن کلیشه‌ها و نسبت دادن صفات و ویژگی‌های اثبات‌نشده به تک تک اعضای یک گروه یا اقلیت اجتماعی نقش مهمی ایفا می‌کنند.

تلاش این دو روان‌شناس برای شناسایی تعصبات پنهان به پروژه‌ای عملی با مشارکت سه دانشگاه هاروارد، ویرجینیا و واشنگتن منجر شد. آن‌ها در سال ۱۹۹۸ آزمون تداعی ضمنی را برای سنجش سوگیری‌ها و تعصبات پنهان معرفی کردند. آزمون‌های طراحی شده در قالب این پروژه مشارکتی به‌طور آنلاین در وب‌سایتی [۱۱] به نام پروژه منتشر شده و داوطلبان می‌توانند بدون ذکر نام و هویت خود در این آزمون‌ها مشارکت کنند. این آزمون‌ها در سه حوزه اصلی نگرش‌های اجتماعی، سلامت روان و نگرش‌های نژادی دسته‌بندی شده‌اند. هر دسته حاوی تست‌هایی است که نگرش ناهشیار فرد درباره موضوعاتی چون جنسیت، سن، وزن، مذهب، نژاد، ناتوانی‌های جسمی، رنگ پوست، روان‌درمانی، غم و شادی، اضطراب و بیماران روانی را می‌سنجند.

آزمون تداعی ضمنی چه طور عمل می‌کند؟

مبنای اصلی آزمون تداعی ضمنی دسته‌بندی واژه‌هایی است که به صورت خودکار روی مانیتور پدیدار می‌شوند. شرکت‌کننده باید هر واژه را در سریع‌ترین زمان ممکن با فشار دادن کلیدهای مناسب از صفحه کلید ذیل دسته‌هایی که در مقدمه آزمون معرفی شده قرار دهد. این آزمون با اندازه‌گیری سرعت نسبی تداعی خودکار به هنگام دسته‌بندی واژه‌ها، معیاری کمی برای شناخت تجربه‌های ذهنی و نگرش فرد به دست می‌دهد.

با شروع آزمون صفحه‌ای روی مانیتور به نمایش در می‌آید که در دو گوشه بالای آن دو دسته‌بندی نمایان است. در جریان آزمون واژه‌هایی در میان صفحه پدیدار می‌شوند و شرکت‌کننده باید با فشار دادن کلید مناسب هر کدام از واژه‌ها را ذیل یکی از گروه‌ها قرار دهد. در بعضی از مراحل دسته‌بندی معرفی شده ترکیبی است از کیفیت‌ها و صفت‌ها، و واکنش به آن به فرآیند ذهنی پیچیده‌تری نیاز دارد.

مراحل مختلف یک آزمون تداعی ضمنی برای سنجش سوگیری پنهان نسبت به چاقی یا لاغری را در ادامه می‌بینید.

Category	Items
Fat People	
Thin People	
Good words	Joy, Love, Peace, Wonderful, Pleasure, Glorious, Laughter, Happy
Bad words	Agony, Terrible, Horrible, Nasty, Evil, Awful, Failure, Hurt

There are seven parts. The instructions change for each part. Pay attention!

[Begin IAT](#)

آزمون با این تصویر شروع می‌شود. در این تصویر توضیح داده شده که برای دسته‌بندی واژه‌ها و تصاویر در کوتاه‌ترین زمان ممکن باید از دو کلید A و E استفاده شود. گروه‌ها و مواردی که ذیل هر گروه ارائه خواهد شد نیز معرفی شده‌اند. این تست حاوی چهار گروه **لاغرها، چاق‌ها، واژه‌های خوب و واژه‌های بد** است. دسته واژه‌های خوب حاوی این لغت‌هاست □ لذت، عشق، صلح، شگفتی، خوشی، باشکوه، خنده، شادی؛ و دسته واژه‌های بد نیز عذاب، وحشتناک، ناگوار، زنده، شیطان، ناخوشایند، شکست و صدمه را در خود جای داده است. در این تصویر توضیح داده شده که تست حاوی هفت بخش است و هر بخش دستورالعمل مخصوص به خود را دارد. با کلیک کردن روی دکمه آبی پایین صفحه، آزمون آغاز می‌شود.

key: "E" Thin People key: "I" Fat People

Part 1 of 7

Put a left finger on the **E** key for Thin People images.
Put a right finger on the **I** key for Fat People images.
Items will appear one at a time.

If you make a mistake, a red **X** will appear. Press the other key to continue. Go as fast as you can while being accurate.

Press the **space bar** when you are ready to start.

عنوان دو گروه **چاق‌ها و لاغر‌ها** در دو سوی راست و چپ بالای صفحه ثبت شده‌اند. از شرکت‌کننده خواسته می‌شود یکی از انگشت‌های دست راست را روی کلید **i** و یکی از انگشت‌های دست چپ را روی کلید **e** قرار دهد و به محض پدیدار شدن تصاویر با فشار دادن دکمه مناسب هر کدام را ذیل دسته چاق‌ها یا لاغر‌ها بگذارد.

key: "E" Bad words key: "I" Good words

Part 2 of 7

Put a left finger on the **E** key for Bad words.
Put a right finger on the **I** key for Good words.

If you make a mistake, a red **X** will appear. Press the other key to continue. Go as fast as you can while being accurate.

Press the **space bar** when you are ready to start.

حالا باید واژه‌ها دسته‌بندی شوند. دو دسته **«واژه‌های خوب»** و **«واژه‌های بد»** در دو سوی راست و چپ بالای صفحه ثبت و از شرکت‌کننده خواسته شده که به محض پدیدار شدن هر واژه با فشار دادن کلیدهای **i** و **e** آن‌ها را ذیل دو گروه دسته‌بندی کند.

key: "E" Bad words key: "I" Good words

Evil

If you make a mistake, a red **X** will appear. Press the other key to continue.

به عنوان مثال، به هنگام پدیدار شدن واژه **شیطان** در میانه صفحه شرکت‌کننده باید بلافاصله با فشار دادن کلید مناسب واکنش نشان داده و واژه را ذیل دسته سمت راست یا چپ قرار دهد.

مرحله ۳

key: "E" Thin People OR Bad words

key: "I" Fat People OR Good words

Part 3 of 7

Use the E key for Thin People images and for Bad words
Use the I key for Fat People images and Good words
Each item belongs to only one category.

If you make a mistake, a red X will appear. Press the other key to continue. Go as fast as you can while being accurate.

Press the space bar when you are ready to start.

گروه‌ها با هم ادغام شده‌اند و مانند دو مرحله قبل در دو سوی راست و چپ بالای صفحه دیده می‌شوند. تصاویر و واژه‌ها به‌طور تصادفی در صفحه پدیدار می‌شوند و شرکت‌کننده باید در سریع‌ترین حالت ممکن هر تصویر یا کلمه را ذیل یکی از دو گروه «چاق‌ها یا واژه‌های خوب» و «لاغر‌ها یا واژه‌های بد» دسته‌بندی کند.

اینجاست که شرکت‌کننده می‌تواند تا حدود زیادی تعصب و سوگیری ذهن خود به نفع چاق‌ها یا لاغر‌ها را تشخیص دهد. مثلاً اگر فرد نسبت به چاقی تعصب داشته باشد و چاقی را زشت و ناخوشایند بداند، احتمال اینکه واژه‌های منفی را ذیل دسته «چاق‌ها یا واژه‌های خوب» طبقه‌بندی کند بسیار بالا است زیرا آنچه با دیدن هر واژه منفی در ذهن او بیدار می‌شود تداعی‌گر زشتی و ناخوشایندی‌ای است که همراه با چاقی در بخش ناخودآگاه ذهن او حک شده است.

مرحله ۴

key: "E" Thin People OR Bad words

key: "I" Fat People OR Good words

Part 4 of 7

This is the same as the previous part.
Use the E key for Thin People images and for Bad words
Use the I key for Fat People images and Good words
Each item belongs to only one category.

Go as fast as you can while being accurate.

Press the space bar when you are ready to start.

ترکیب گروه تغییر کرده و به ترکیب «چاق‌ها یا واژه‌های خوب» و «لاغر‌ها یا واژه‌های بد» بدل شده است.

key: "E" key: "I"

Fat People **Thin People**

Part 5 of 7.

Watch out, the labels have changed position!
Use the left finger on the **E** key for **Fat People**.
Use the right finger on the **I** key for **Thin People**.

Go as fast as you can while being accurate.

Press the **space bar** when you are ready to start.

بازگشت آزمون به گروه‌هایی با یک متغیر

key: "E" key: "I"

Fat People **Thin People**

OR **OR**

Bad words **Good words**

Part 6 of 7.

Use the **E** key for **Fat People** images and for **Bad words**
Use the **I** key for **Thin People** images and **Good words**
Each item belongs to only one category.

If you make a mistake, a red **X** will appear. Press the other key to continue. Go as fast as you can while being accurate.

Press the **space bar** when you are ready to start.

key: "E" key: "I"

Fat People **Thin People**

OR **OR**

Bad words **Good words**

Part 7 of 7.

This is the same as the previous part.
Use the **E** key for **Fat People** images and for **Bad words**
Use the **I** key for **Thin People** images and **Good words**
Each item belongs to only one category.

Go as fast as you can while being accurate.

Press the **space bar** when you are ready to start.

آزمون در دو مرحله آخر به گروه‌های ترکیبی با بیش از یک متغیر باز می‌گردد.

با پایان مرحله هفتم نتیجه آزمون با تحلیلی کوتاه از وضعیت سوگیری مشارکت‌کننده در اختیار او قرار می‌گیرد. سرعت واکنش به تصاویر و واژه‌ها و تناسب آن‌ها با سرفصل گروه‌های ترکیبی مبنایی برای محاسبه میزان تعصب‌ها و سوگیری‌های نهان شرکت‌کننده است.

توانایی طبقه‌بندی سریع و خودکار پدیده‌ها ویژگی بنیادین ذهن بشر است. دسته‌ها و طبقه‌ها به زندگی نظم می‌دهند و همه ما، هر روز، با تکیه بر ویژگی‌های اجتماعی یا خصوصیات دیگر در حال طبقه‌بندی افراد هستیم. اما فرآیند طبقه‌بندی در همین فواید و ویژگی‌های مثبت خلاصه نمی‌شود؛ ریشه کلیشه‌ها و تفکرات قالبی، تعصب‌ها و پیش‌داوری‌ها، و در نهایت اعمال تبعیض علیه فرد یا گروهی از افراد را نیز باید در فرآیند طبقه‌بندی جست‌وجو کرد.

تفاوت میان کلیشه، پیش‌داوری و تبعیض

کلیشه یا تصور قالبی یک باور یا تصور اغراق‌آمیز یا یک حقیقت تحریف‌شده درباره یک شخص یا یک گروه است؛ نوعی تعمیم و کلیت‌بخشی که جایی برای تفاوت‌های فردی یا تنوع اجتماعی باقی نمی‌گذارد. کلیشه‌ها بر مبنای تصویری که در رسانه‌های جمعی از یک موضوع ارائه می‌دهند یا مبتنی بر سابقه‌ای که خانواده، گروه همسالان یا دیگر اعضای جامعه از چیزی ارائه می‌دهند در ذهن فرد شکل می‌گیرند. کلیشه‌ها همیشه منفی نیستند، ممکن است یک کلیشه بار مثبت داشته باشد.

تعصب یا پیش‌داوری یک نظر، قضاوت یا گرایش نسبت به یک گروه یا اعضای گروه است. تعصب ممکن است گرایشی مثبت به یک گروه، فرد یا مفهوم باشد ولی در این مقاله -و در آزمون تداعی ضمنی- تعصب با گرایش منفی در نظر است.

پیش‌داوری معمولاً با جهل، ترس یا نفرت همراه و حاصل یک فرآیند پیچیده روانی است که با وابستگی و تعلق به حلقه‌های بسته شکل می‌گیرد. پیش‌داوری و تعصب معمولاً گروه‌ها و افرادی خارج از آن حلقه بسته را هدف قرار می‌دهد؛ گروه‌ها و افرادی که «غیرخودی» فرض می‌شوند.

تبعیض به معنای رفتار نابرابر با افراد بر مبنای تعلق یا عدم تعلق آن‌ها به یک گروه، دسته یا طبقه خاص است. رفتار تبعیض‌آمیز، از تحقیر گرفته تا جرائم مبتنی بر نفرت [۱۲]، اغلب از تصورات قالبی منفی، پیش‌داوری و تعصب‌های منفی سرچشمه می‌گیرد.

چه طور تعصب‌ورزی را می‌آموزیم؟

دانشمندان علوم اجتماعی معتقدند که جذب کلیشه‌ها و پیش‌داوری‌ها از دوران نوپایی [۱۳] شروع می‌شود. پژوهش‌ها نشان داده است که کودکان از سه سالگی واژه‌های برآمده از تعصب نژادی را به کار می‌برند، بی‌آنکه مفهوم واقعی آن‌ها را بدانند.

فرآیند وابسته شدن به گروه و تشکیل نگرش‌های منفی به دیگر گروه‌های نژادی و قومی، به طور کلی گروه‌هایی که «غیرخودی» فرض می‌شوند، خیلی زود در کودکان آغاز می‌شود. اغلب کودکان در سال‌های اولیه زندگی مجموعه‌ای از تعصب‌ها را از آن خود می‌کنند. این تعصب‌ها در قالب لقب دادن‌های تحقیرآمیز به افراد، جوک‌های قومیتی یا رفتارهای تبعیض‌آمیز نمود دارد.

سوگیری‌ها و تعصب‌ها چه طور تقویت می‌شوند؟

کلیشه‌ها و پیش‌داوری‌ها به محض ورود به ذهن ماندگار می‌شوند و حتی در شرایطی که شواهدی در رد آن‌ها وجود داشته باشد، در برابر تغییر مقاوم‌اند.

مردم به روایت‌هایی که سوگیری‌ها و تعصب‌هایشان را تأیید و تقویت می‌کند علاقه خاصی دارند و در مقابل، به شواهد و تجربه‌هایی که در تناقض با تعصب‌ها و پیش‌داوری‌هایشان است، اعتنا نمی‌کنند.

سوگیری‌ها و تعصب‌ها چه طور ماندگار می‌شوند؟

سوگیری و تعصب در جریان انطباق با نگرش‌های گروه خودی و همین‌طور در جریان جامعه‌پذیری از طریق فرهنگ ماندگار می‌شوند. این واقعیت که «فرهنگ غالب در آمریکا فرهنگ سفیدپوستان است» دلیلی است بر اینکه شهروندان غیر سفیدپوست غالباً سوگیری و تعصبی در حمایت از گروه قومی یا نژادی خود نشان نمی‌دهند.

رسانه‌های جمعی به طور معمول از کلیشه‌ها برای آسان‌سازی روند توصیف یک صحنه یا صحنه استفاده می‌کنند. به عنوان مثال سالخورده‌گان معمولاً به صورت افرادی نحیف و فراموشکار و جوان‌ها افرادی توانمند و چابک و پر جنب و جوش به تصویر کشیده می‌شوند.

افزون بر این، کلیشه‌ها از طریق حذف کردن پاره‌هایی از فرهنگ عامه منتقل می‌شوند. به عنوان مثال وقتی جامعه به صورت گروهی تماماً سفیدپوست در تلویزیون به تصویر کشیده شود، کلیشه برتری سفیدپوستان با حذف سیاهان تقویت می‌شود. نظریه‌های روانشناسان در خصوص انتقال تعصب‌ها و سوگیری‌ها از طریق رسانه، دلیل پذیرش و پرورش پیش‌داوری‌ها در ذهن کودکان را توضیح می‌دهد. در بسیاری موارد این پیش‌داوری‌ها به صراحت در تناقض با چیزی است که کودکان در فضای خانواده تجربه می‌کنند.

تعصب‌های پنهان

پژوهش‌ها نشان داده‌اند تعصب‌هایی که گمان می‌رود از بین رفته‌اند یا دیگر وجود ندارند، در قالب «پس‌مانده‌های ذهنی» به حیات خود ادامه می‌دهند. بر اساس این مطالعات حتی افرادی که آگاهانه به اصل مساوات و برابری متعهدند و می‌کوشند بدون پیش‌داوری رفتار کنند، همچنان پیش‌داوری‌ها یا کلیشه‌های منفی پنهان را در خود دارند.

مجموعه تست‌های طراحی شده در پروژه تداعی ضمنی همین کلیشه‌ها و پیش‌داوری‌های پنهان یا خودکار را که کنترل هوشیار افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهند، بررسی می‌کند.

آزمون‌های تداعی ضمنی برای اهداف تحقیقاتی طراحی شدند اما می‌توان آن‌ها را فراتر از این اهداف و به عنوان ابزاری برای نگاهی انتقادی به تعصبات پنهان به کار برد؛ برای پاسخ به این سؤال‌ها که تعصب‌ها و کلیشه‌های ذهنی ما از کجا می‌آیند؟ چه‌طور رفتارها و عملکرد ما را تحت تأثیر قرار می‌دهند؟ و برای رهایی از آن‌ها چه می‌توان کرد؟

تعصب‌ها و رفتار

وجود رابطه میان تعصب‌های پنهان و طرز رفتار افراد در بسیاری از پژوهش‌ها اثبات شده است. به عبارت دیگر، تعصب‌های پنهان در عملکرد و رفتار افراد آشکار می‌شوند، به‌ویژه آن زمان که تلاش آگاهانه فرد برای کنترل رفتارش تحت تأثیر عواملی چون استرس، حواس‌پرتی، یا رقابت رنگ می‌بازد.

باورها و گرایش‌های ناخودآگاه در کلام و رفتارهای خاصی مانند تماس چشمی، پلک زدن و لبخند زدن پدیدار می‌شوند.

به عنوان مثال، تحقیقات نشان داده که معلمان به وضوح پیش‌داوری‌ها را به دانش‌آموزان منتقل می‌کنند، در حدی که برخی پژوهشگران بر این باورند که دانش‌آموزان سفیدپوست و رنگین‌پوست در یک کلاس واحد آموزه‌های متفاوتی دریافت می‌کنند.

یکی از این پژوهش‌ها نشان می‌دهد که مصاحبه‌کنندگان سفیدپوست به هنگام مصاحبه با متقاضیان سیاه‌پوست در قیاس با متقاضیان سفیدپوست در فاصله‌ای دورتر می‌نشینند، اشتباهات گفتاری بیشتری دارند - در واقع با دقت کمتری صحبت می‌کنند - و مصاحبه را ۲۵ درصد زودتر به پایان می‌رسانند.

نخستین پژوهش‌های انجام‌شده در تعیین اینکه آیا تعصب پنهان به رفتار تبعیض‌آمیز منجر می‌شود؟ به دو نتیجه قطعی رسیده است.

- افرادی که نسبت به سیاه‌پوستان و هم‌جنس‌گرایان پیش‌داوری یا کلیشه‌های پنهان دارند، در قیاس با دیگران رفتار غیردوستانه‌تری نسبت به این دو دسته دارند.
- قسمتی از مغز که مسئول یادگیری عاطفی است در افرادی که تعصبات پنهان نژادی قوی‌تری دارند به هنگام مشاهده تصاویری از سیاه‌پوستان بیش از زمانی که تصاویر سفیدپوستان به فرد نشان داده می‌شود، فعالیت می‌کند.

آثار پیش‌داوری، تعصب و کلیشه‌ها

تعصب‌ها و سوگیری‌های پنهان یکی از مهمترین عوامل ناسازگاری میان «اهداف و عقیده عمومی در آمریکا» با میزان تبعیض در این جامعه است.

چهل سال پس از تصویب لایحه حقوق مدنی در آمریکا که نابرابری اجتماعی به دلیل نژاد، رنگ پوست، دین، جنسیت و محل تولد را خلاف قانون اعلام کرد، سطح فقر، برخورداری از آموزش و موفقیت همچنان میان نژادهای مختلف متفاوت است، تبعیض نژادی همچنان در مواردی چون فروش مسکن و املاک و مستغلات ادامه دارد و پیگرد نژادی [۱۴] حتی در میان شهروندان عادی رفتاری عادی و مرسوم به شمار می‌آید.

همچنان مواردی حاکی از رفتارهای تحقیرآمیز با اقلیت‌های نژادی یا قومی در فروشگاه‌ها، دفاتر اداری یا از سوی پلیس گزارش می‌شود. اگرچه یک آمریکایی سیاه‌پوست این روزها می‌تواند در یک رستوران باشکوه و گران‌غذا بخورد اما ممکن است بعد از خروج از رستوران برای نگه داشتن تاکسی با مشکل روبه‌رو شود.

فردی که داغِ تعلق به یک گروه بر پیشانی‌اش خورده چاره‌ای ندارد جز اینکه خود را برای پیامدهای فلج‌کننده آن برچسب آماده کند. مطالعات نشان می‌دهند که نوجوانان سیاه‌پوست در آمریکا از وجود برچسبی که آن‌ها را به لحاظ ذهنی و فکری پایین‌تر از دیگران می‌داند آگاهند. آن‌ها همچنین از برچسب دیگری که کلاود [استیل^{۱۵}] آن را «بار سوء ظن» نام داده آگاهند؛ باری که حمل کردن آن روی نگرش‌ها و دست‌آوردهای این گروه از دانش‌آموزان مؤثر خواهد بود. افزون بر این، پژوهش‌ها نشان می‌دهند که وقتی به دانشجویان دختر یادآوری می‌شود که زنان در ریاضی ضعیف هستند، عملکرد آن‌ها به نحوی خواهد بود که این پیش‌گویی محقق شود.

این آنگها و برچسب‌ها مثل سایه‌ای بر زندگی افراد سنگینی می‌کند، فارغ از اینکه آن‌ها به لحاظ اجتماعی چه موقعیتی دارند یا چه دست‌آوردهایی نصیب‌شان شده است. برچسب‌خوردگان همواره باید در حالت دفاعی باقی بمانند و بارِ مضاعفی را حمل کنند که اعتماد به نفس و کارایی و امیال و آرزوهایشان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. این آنگها چنان قدرتی دارند که ممکن است شخصیت افراد را تاراج کنند و همه تلاش‌های او برای شکستن قواعدی که کلیشه‌ها به زندگی‌اش تحمیل می‌کنند را ناکام بگذارند.

برای کلیشه‌ها و پیش‌داوری‌های پنهان و ناهشیار چه می‌توان کرد؟

تغییر نگرش‌ها و باورها تا وقتی به سطح آگاه و هشیار ذهن نرسیده‌اند ممکن نیست. به عنوان مثال کلیشه‌های منفی درباره مهاجران در بسیاری از جوامع با گذر زمان از میان رفته‌اند، به این دلیل که درباره‌شان گفت‌وگو شده و آگاهی عمومی در خصوص آن‌ها ارتقا یافته است. نگرش عمومی در آمریکا در خصوص تبعیض علیه سیاهان و جداسازی آن‌ها در جامعه با تصویب و اجرای قانون حقوق مدنی تا حدود زیادی تغییر کرده است. با این حال روان‌شناسان تا کنون الگویی معین و روشن برای برچیدن کلیشه‌ها و پیش‌داوری‌های آشکار و پنهان ارائه نکرده‌اند.

آموزه‌های کودکی

اولین قدم این است که بپذیریم تعصب‌ها و سوگیری‌ها ریشه در دوران کودکی دارند و در تقابل با تعهد ما به رفتار مبتنی بر انصاف و برابری قرار می‌گیرند. والدین، معلمان، رهبران دینی و دیگر رهبران اجتماعی نقش مؤثری در مورد سؤال قرار دادن ارزش‌ها و باورها ایفا می‌کنند؛ آن‌ها می‌توانند کودکان را در جریان تشخیص کلیشه‌های رایج در رسانه‌ها یا میان هم‌سالان کمک کنند. افزون بر این، کودکان باید با نشانه‌ها و شواهدی احاطه شوند که بر اهمیت مساوات و برابری تأکید می‌کنند.

گوردن آلپورت (Gordon Allport)، روانشناس امریکایی، در کتاب «ماهیت پیش داوری» به این نکته اشاره کرده است که میزان مدارا و رواداری در کودکانی که در محیطی حمایت‌گر و با محبت رشد می‌کنند بیش از دیگران است. او می‌نویسد: این کودکان فارغ از کاری که انجام می‌دهند، احساس می‌کنند مقبول و دوست‌داشتنی‌اند. در چنین محیطی دیدگاه‌های متفاوت پذیرفته می‌شوند، از توبیخ و تنبیه به شکلی خشن و بی‌حساب و کتاب خبری نیست، معمولاً کودکان با نگاهی مثبت به دیگران می‌نگرند و احساسی همراه با حسن نیت و حتی مهربانی نسبت به آن‌ها دارند.

نقش و اهمیت جامعه

یکپارچگی اجتماعی به نوعی که به جداسازی قومی و نژادی در جامعه پایان دهد، به خودی خود منشاء تغییرات اساسی در نگرش و رفتار اجتماعی نخواهد بود، اما مطالعات بسیاری نشان می‌دهد که وقتی مردم برای حل مسایل و مشکلات مشترکشان در یک محیط ساختاریافته و در قالب خدمت‌رسانی اجتماعی همکاری می‌کنند، نگرش‌های آن‌ها درباره مفهوم تنوع در جامعه به شکل چشم‌گیری تغییر می‌کند.

وقتی اعضای از گروه‌ها و طبقات متنوع جامعه برای تحقق یک هدف مشترک همکاری کنند، ذهنیت تعلق به گروهی بزرگ‌تر از گروه‌های خودی در کودکان شکل می‌گیرد؛ جمعی که در آن هر کس مهارتی دارد و می‌تواند به پیشبرد کار جمعی کمک کند. به رغم پیش‌بینی‌های اولیه شواهدی در دست است که نشان می‌دهد نگرش‌های ناهشیار و ناخودآگاه انعطاف‌پذیرند. برای مثال، به تصویر کشیدن زنان قوی و پیشرو یا دیدن سیاه‌پوستان به عنوان الگوهای اجتماعی، تعصب‌ها و سوگیری‌های پنهان عمومی را دست‌کم به‌طور موقت تغییر می‌دهد.

محسوس شدن تعصب‌ها و سوگیری‌های ناخودآگاه

آزمون تعصب پنهان از وجهی دیگر نیز اهمیت دارد؛ اینکه به هنگام آزمودن میزان تعصب‌ها و سوگیری‌های پنهان، آن‌ها را برای افراد محسوس و قابل لمس می‌کند. تعداد زیادی از افرادی که در این آزمون شرکت کرده‌اند گفته‌اند که حین پاسخ به آزمون، پیش‌داوری‌ها و تعصب‌های ناپیدای خود را عمیقاً احساس کرده‌اند. آن‌ها در عمل با ناتوانی یا اشتباه در پاسخ سریع به مفاهیم و موضوعات، و دسته‌بندی آن‌ها روبه‌رو می‌شوند و سوگیری‌هایی که در لایه‌های ناخودآگاه ذهن‌شان جا گرفته بود برایشان محسوس و ملموس می‌شود. هرچند اجتناب از کلیشه‌ها یا پیش‌داوری‌هایی که به‌طور خودکار به ذهن می‌آیند ممکن نیست اما اصلاح آگاهانه آن‌ها قطعاً امری شدنی و امکان‌پذیر است.

اگر افراد نسبت به سوگیری‌ها و تعصب‌های نهان خود آگاه باشند، می‌توانند نگرش‌های پنهان را دیده‌بانی کنند، مراقب بروز آن‌ها باشند و پیش از بروز یافتن آن‌ها در رفتار و گفتارشان، برای تغییر و بهبود تدریجی آن‌ها بکوشند.

درک و تجربه جمعی [۱۶] و نتایج به دست آمده از پژوهش‌ها نشان می‌دهد که تغییر در رفتار، به اصلاح باورها و نگرش‌ها منجر می‌شود. منطقی به نظر می‌رسد که تصمیم آگاهانه فرد برای رعایت مساوات و برابری او را به دایره گسترده‌تری از افراد متصل می‌کند و به او کمک می‌کند شناخت خود از گروه‌های دیگر را وسعت بخشد. چنین تلاش‌هایی به مرور زمان قدرت و استحکام سوگیری‌ها و تعصب‌های نهان را کاهش می‌دهند.

تردید در نتایج حاصل از این آزمون آسان است؛ در نخستین مواجهه با تست‌ها می‌توان گفت «نه، این من نیستم»، اما این بی‌دردسرتترین راه است. پرداختن به نتایج آزمون، قرار دادن تعصب‌ها زیر ذره‌بین و فکر کردن به ریشه و خاستگاه آن‌ها، دقیق شدن روی معنی آن‌ها و جست‌وجوی راهی برای اصلاح و تغییر آن‌ها راهی دشوار خواهد بود. اما دانستن اینکه بسیاری دیگر مانند خودمان با تعصب‌های پنهان، پیش‌داوری‌ها و کلیشه‌های ناپیدا درگیرند انگیزه‌ای برای همه ما خواهد بود که برای درک و تغییر آن‌ها تلاش کنیم.

- Roberts, Hayley. "Implicit Bias and Social Justice." Open Society Foundations. N.p., 18 Dec. 2011. Web. 12 June 2015.
- Devitt, James. "Psychologists Find Unintentional Racial Biases May Affect Economic and Trust Decisions." New York University. N.p., 25 Apr. 2011. Web. 12 June 2015.
- Blair, Irene V., John F. Steiner, and Edward P. Havranek. "Unconscious (Implicit) Bias and Health Disparities: Where Do We Go from Here?" The Permanente Journal. The Permanente Journal, Spring 2011. Web. 12 June 2015.
- "Test Yourself for Hidden Bias." Teaching Tolerance. N.p., n.d. Web. 12 June 2015.
- نوربالا، فاطمه، ضحی سعیدی و فاطمه حمزوی عابدی. معرفی یک ابزار آزمون تداعی ضمنی. فصلنامه رویش، سال سوم، شماره یک



- [۴] - پنهان کردن آگاهانه پیش‌داوری‌ها در حیطه «تعصب پنهان» نمی‌گنجد.
- [۷] - حافظه آشکار یا (explicit memory) گونه‌ای از حافظه است که پردازش در آن از طریق یادآوری هوشیارانه و ارادی اندوخته‌ها، آموخته‌ها و تجربه‌های قبلی انجام می‌شود.
- [۸] - حافظه ضمنی یا ناآشکار (implicit memory) گونه‌ای از حافظه است که تجربه‌ها و آموخته‌های پیشین عملکرد آن را تسهیل می‌کنند بی‌آنکه یادآوری هوشیارانه، عمدی یا آگاهانه‌ای در میان باشد.
- [۹] - تداعی معانی (association) یک اصل کلی در روان‌شناسی است که با حافظه و تجدید خاطره پیوند دارد و به معنای برقراری ارتباط میان تجربه‌ها، اتفاقات، خاطرات، رفتارها، اشیا یا احساسات ثبت شده در ذهن ما با نشانه‌هایی است که در لحظه درک می‌کنیم.
- [۱۱] - وبسایت آزمون تداعی ضمنی:
<https://implicit.harvard.edu/implicit/>
- [۱۲] - جرایم ناشی از نفرت ترجمه عبارت hate crime است و تحت عنوان جرائم ناشی از تعصب نیز شناخته می‌شوند. این عبارت به آن دسته از جرائم و خشونت‌ها اطلاق می‌شود که قربانیان را به خاطر تعلق به یک گروه، طبقه یا دسته اجتماعی ویژه هدف قرار می‌دهد.
- [۱۳] - دوران نوپایی بعد از دوران شیرخوارگی آغاز می‌شود. این رده سنی در دوران رشد کودکان از یک تا سه سالگی را شامل می‌شود.
- [۱۴] - پیگرد نژادی ترجمه عبارت racial profiling و به معنای اعمال رفتار تبعیض‌آمیز از سوی مقامات و نهادهای مجری قانون به‌ویژه پلیس در هدف گرفتن یا تحت پیگرد قرار دادن افراد مظنون به جرم و جنایت بر اساس نژاد، قومیت، مذهب یا ملیت آن‌ها است.

سؤال؟؟

با مدرسه افروز تماس بگیرید
info@afroozschool.org